



با نومعلمان

صدیقه صفدری

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان

نشستی صمیمی با معلمان تازه‌کار

مدتی است که دانشجویان ورودی سال ۹۱ دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل و به‌عنوان معلم وارد مدارس شده‌اند. با تعدادی از تازه‌معلمان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان همراه می‌شویم تا از تجارب یک ساله معلمان تازه و مسائل و مشکلات احتمالی پیش روی آن‌ها مطلع شویم. در این جلسه به نکاتی اشاره شد که می‌تواند راهگشای دانشجویان معلمان و تازه‌معلمان عزیز هم باشد.

ملکوتی: حواستان به روز اول ورودتان به کلاس باشد... بچه‌ها شما را بهتر از خودتان می‌شناسند. وقتی روز اول با مهربانی و از روی ناپختگی ناشیانه عمل می‌کنی تا مدت‌ها رفتار بچه‌ها را تثبیت کرده‌ای. باید دو هفته وقت بگذاری تا خاطره روز اول ذهنشان پاک شود البته این را محض شوخی گفتم اما یادتان باشد که باید حریم بین معلم و شاگرد حفظ شود. معلم باید در عین دلسوزی و مهربانی بودن مقتدر هم باشد تا بتواند کلاس را به خوبی مدیریت کند. مدرسه‌ای که برای کارورزی به آن می‌رفتم یکی از مدارس خوب تهران و نزدیک به محل دانشگاه بود. امکانات فیزیکی متنوع مدرسه، تعداد کم

ملکوتی: در پاسخ به این سؤال که چند سال سابقه تدریس دارم، پاسخ دادم مسلماً چهره من نشان نمی‌دهد که ۲۰ سال سابقه داشته باشم! و بعد سعی کردم گفت‌وگو را با تیزهوشی هدایت کنم... همه این‌ها به تدبیر خود شما بستگی دارد. باید بتوانید اولیا را قانع کنید که چیزی از دیگران کم ندارید و در رشته خودتان متخصص هستید و دلگرمشان کنید که به نیروهای تازه‌نفس معلمان اعتماد کنند. **خدادادی:** از نظر من کلاس‌های ابتدایی مثل یک چهارچرخه هستند که دو محور آن را معلمان و اولیا تشکیل می‌دهند. اگر این دو با هم هماهنگ نباشند این ماشین حرکت نمی‌کند.

شما به‌عنوان معلم تازه‌کار در سال اول تدریستان با چه مشکلاتی مواجه شدید؟ **خدادادی:** یکی از چالش‌هایی که در ابتدای سال تحصیلی با آن مواجه شدم در جلسه با اولیای دانش‌آموزان رقم خورد. در ابتدای ورودم به جلسه به دلیل جوان بودنم زیاد مورد استقبال قرار نگرفتم. البته تا حدودی به آن‌ها حق می‌دهم، چون تصور اکثر ما از معلم ابتدایی خانمی میان‌سال، پراپهت و باتجربه است. با سؤالاتی از این دست، از سوی پدر و مادرها، مواجه شدم: شما چند سال سابقه تدریس دارید؟ قبلاً در کدام مدرسه تدریس می‌کردید؟ خودتان فرزندی دارید؟



دانش‌آموزان و اولیای تحصیل کرده مواردی بود که در مدرسه کارورزی‌ام وجود داشت. پس از ورود به مدرسه محل خدمت من متوجه وجود تفاوت‌های زیادی شدم. کلاس‌هایی که دانش‌آموزان آن تصویری از کلاس هوشمند و حتی کتابخانه و آزمایشگاه ندارند... شاید بهترین راه حل گذراندن دوره کارورزی‌مان در همان مدرسه‌ای است که باید خدمت کنیم. به این ترتیب بیشتر با شرایط واقعی مدارس روبه‌رو می‌شویم و کمتر غافل‌گیر می‌شویم!

خدادادی: طرح درس‌هایی که در دوران دانشجویی می‌نوشتیم بسیار ایده‌آل بود و قابل مقایسه با واقعیت نبود. برای مثال ابزار مورد نیاز برای آموزش جمع و تفریق را چینه و چوب‌خط در نظر گرفته بودم و این را به اولیا اطلاع دادم. اما بعد از پیگیری زیاد تنها ۲۰ درصد از دانش‌آموزانم موفق به تهیه چینه و چوب‌خط شدند. متأسفانه این نکته به دانش‌جو گفته نمی‌شود که گاهی باید دانش‌آموز را در حد صفر در نظر گرفت و طرح درس را در چنین حالتی تنظیم کرد.

◀ **کمبود امکانات فیزیکی تنها یکی از مسائل و مشکلاتی بود که با آن مواجه شدیم.**

در مدرسه فشار زیادی روی معلم تازه‌کار است. استرس نرسیدن به بودجه‌بندی دروس و تمام نکردن کتاب، زیر ذره‌بین بودن از طرف همکاران و اولیا و عدم مقبولیت بین همکاران با سابقه، بخشی از مشکلات یک معلم تازه‌کار است.

دوستان تازه معلم توجه داشته باشید از نظر من بهترین راه‌حل در چنین مواقعی این است که روی شیوه خودمان مصمم باشیم و به خودمان ایمان داشته



خدادادی: توصیه من این است که سعی کنید قبل از ورود به مدرسه محل خدمتتان از شرایط زندگی - محیط فیزیکی و فرهنگ دانش‌آموزان اطلاع پیدا کنید تا غافلگیر نشوید. من هنگام تدریس تفاوت خانه‌های روستایی و شهری متوجه اهمیت این موضوع شدم در حالی که تا پیش از آن تصور دقیقی از منطقه محل خدمت من نداشتم. داشتم مثال می‌زدم که شما در آپارتمان زندگی می‌کنید و ندیده‌اید که روستایی‌ها در خانه‌هایشان دام و طیور نگهداری می‌کنند که یک‌دفعه شش نفر دستشان را بالا بردند و گفتند ما دامداری داریم.

ملکوتی: زمانی که دانش‌جو بودم تمام تمرکز من روی طرح درس نوشتن بود. طرح درس‌هایی با جدیدترین روش‌های تدریس که اغلب در ۴۵ دقیقه کامل می‌شدند. ولی حالا که وارد کلاس درس شده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که بچه‌ها بیشتر از بیست دقیقه به شما توجه نمی‌کنند. پس از شروع تدریس متوجه شدم از نظر دانش‌موضوعی توانایی بالایی دارم و بخش عمده مشکلاتم مربوط به مدیریت کلاس و شیوه برقراری ارتباط با دانش‌آموزان است. اگر معلم بتواند به خوبی زمان کلاس و رفتار دانش‌آموزان را مدیریت کند کل کار را انجام داده است! روش تدریس در کنار این‌ها مطرح



باشیم. زیاد تحت تأثیر حرف‌های دیگران قرار نگیریم. گاهی ممکن است درس ریاضی‌تان از معلم با سابقه هم پایه چند درس عقب‌تر باشد ولی شما به شیوه‌تان اطمینان دارید و می‌دانید دانش‌آموزانتان با این روش واقعا یاد می‌گیرند. هیچ‌گاه دوست نداشتم از آن‌هایی باشم که ریاضی را مهم‌ترین درس می‌دانند. گاهی هنر هم به همان اندازه مهم است. مخصوصا اگر دانش‌آموزتان اول ابتدایی باشد.

یکی دیگر از مشکلاتی که در سال اول تحصیل با آن مواجه بودم کمبود طرح‌های تشویقی و تنبیهی کاربردی بود. تا یکی دو ماه اول تدریس به شدت ناامید شده بودم. حتی دیگر صدا هم نداشتم. انگار هر چه صدايت را برای ساکت کردن دانش‌آموزان بالاتر می‌بری صدای آن‌ها هم بالاتر می‌رود. بچه‌هایی که مردود شده بودند و نشان بیشتر از کلاس اول بود کلاس را روی دستشان می‌چرخاندند و گاهی می‌شنیدم که به هم می‌گویند: ببینید امروز چطور خانم را عاصی می‌کنم!

ستاره دادن، مهر زدن، کارت امتیاز همه این‌ها چند دقیقه تأثیر دارد و دوباره کلاس به هم می‌ریزد.

بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که گاهی بعضی چیزهای کوچک برای بچه‌ها تشویق بزرگی به حساب می‌آید؛ مثلاً این که به دانش‌آموزت بگویی برو یک دور در حیاط مدرسه بدو و بیا. طوری است که انگار دنیا را به او داده‌ای! معلم باید همیشه روش‌های جدیدی برای مدیریت کلاس در دست داشته باشد.

◀ **از نظر شما دانش‌جو معلمان باید چه نکاتی را رعایت کنند تا در نخستین سال‌های تدریسشان با مشکلات کمتری مواجه شوند؟**



می‌شود. معلم توانمند کسی است که دانش‌آموزانش را به خوبی می‌شناسد و از ضعف‌ها و قوت‌های آن‌ها آگاهی کامل دارد.

خدادادی: توصیه من به دانشجومعلمانی این است که تا وقتتان آزاد است در مورد انواع اختلال‌های رفتاری مانند اوتیسم، بیش‌فعالی، اختلال‌های دیکته، ریاضی، خواندن و اضطراب اجتماعی اطلاعات جمع‌آوری کنید و تا حد امکان کتاب‌هایی را جعبه تجربه معلمان مطالعه کنید.

ملکوتی: من در اولین سال تدریس در کلاس سوم ابتدایی یک دانش‌آموز هیدروسفال داشتم. بگوئید تا به حال چند بار این کلمه را شنیده‌اید؟ چقدر می‌دانید چطور باید با این افراد برخورد کرد؟ به راستی دانشگاه تا چه میزان ما را برای مواجهه با چنین موردهایی آماده می‌کند؟

خدادادی: خودتان را برای حضور در یک کلاس فراگیر از همه نوع دانش‌آموز آماده کنید. من که برای اولین بار در کلاس اول ابتدایی تدریس کردم در کلاس تعدادی مردودی داشتم. ۳ تا از مردودی‌ها سال دومی بود که مجدداً پایه اول را می‌خواندند، یک دانش‌آموز کم‌بینا یک کم‌شنوا یک دانش‌آموز اوتیسم و دو دانش‌آموز بیش‌فعال در کلاس داشتم.



معلم باید نحوه برخورد با این دانش‌آموزان را به خوبی بلد باشد. برای مثال باید بداند دانش‌آموز کم‌بینا در جایی نشاند که نور مناسبی داشته باشد. باید درس را یک بار جداگانه برای دانش‌آموز کم‌شنوا تکرار کند تا بتواند همراه با دیگران پیش برود. معلم توانمند می‌داند، چگونه عمل کند تا دانش‌آموز مردودی‌اش به کلی از درس خواندن دلزده نشود...

خدادادی: شاید تنها ۱۰ درصد از دانشجومعلمانی در دوره تحصیلشان روی یک پایه متمرکز شوند و خود را برای تدریس آن آماده کنند. دانشجومعلم باید بداند می‌خواهد کدام پایه را تدریس کند و روی آن عمیق شود تا بیشترین آمادگی را کسب کند.

شاید تنها ۱۰ درصد از دانشجومعلمانی در دوره تحصیلشان روی یک پایه متمرکز شوند و خود را برای تدریس آن آماده کنند

از نظر شما دانشگاه فرهنگیان برای کاهش «مشکلات تازه‌معلم‌ها» باید چه تدابیری بیندیشد؟

خدادادی: یکی از مشکلاتی که در حال حاضر وجود دارد رها کردن دانشجومعلمانی پس از فارغ‌التحصیلی است. سیستمی وجود ندارد که به معلمان تازه‌کار بازخورد بدهد و روش‌های مدیریت کلاس و طرح‌های تشویقی - تنبیهی‌شان را ارزیابی کند.

ملکوتی: باید ارتباط بین استاد و دانشجو پس از فارغ‌التحصیلی حفظ شود. اساتید باید سر کلاس‌های درس ما بیایند و رهنمودهایی به تازه‌معلمانی بدهند. درواقع اینجاست که نظر و عمل با هم ارتباط پیدا می‌کنند. البته این فرایند نباید حالت مچ‌گیری داشته باشد، باید

آرامش روانی معلمان حفظ شود. **حیدری:** بسیاری از دانشجویان از انگیزه کافی جهت پژوهش و مطالعه برخوردارند اما متأسفانه در دانشگاه فرهنگیان، مسئولان زمینه‌های لازم برای این کار را فراهم نمی‌کنند. من ترم ۷ مشاوره هستم و چند روز دیگر فارغ‌التحصیل می‌شوم. کمبود طرح‌های عملیاتی به شدت احساس می‌شود. من به‌عنوان دانشجوی مشاوره انتظار دارم بستری جهت بازدید از کلینیک‌ها و مراکز مطالعات روان‌شناسی فراهم شود تا بتوانم آموخته‌هایم را در عمل بیازمایم و تجربه کسب کنم.

خدادادی: کسب تجربه بسیار مهم است. از نظر من باید در کنار اساتید دانشگاه که ارائه‌دهنده دروس نظری هستند از معلمان باتجربه نیز بهره گرفته شود.

آیا در سالی که گذشت موقعیتی پیش آمد که شما از دانش‌آموزتان چیزهایی بیاموزید؟

خدادادی: بله موقعیت‌های زیادی پیش آمد. بچه‌ها بهترین مصداق‌ها برای دوستی و انسانیت هستند. خیلی زود همدیگر را می‌بخشند و دوستی‌هایشان پاک و صادقانه است. با وجود تمام مسائلی که پیش آمد دل‌م برایشان تنگ شده است و دوستشان دارم.

ملکوتی: من هم عاشق صداقت و پاکی بچه‌ها هستم. ما هر روز، در مدرسه، در ابتدای کلاس آیت‌الکرسی می‌خواندیم و آیات آن را ترجمه می‌کردیم. یک بار دو تا از پسرها با هم دعوایشان شد. یکی از بچه‌ها یکی از آیات آیت‌الکرسی را خواند و گفت ببینید وقتی دعوا می‌کنید خدا دوستتان ندارد. آن دو از کارشان پشیمان شدند و وقتی این را از زبان دوستشان شنیدند بیشتر تأثیرگذار بود.

